



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۱۰/۱۵

د ص سعیدی

افغانستان تا کجاست و مذاکرات صلح چرا ناکام بود؟

در دید اول این دو موضوع بی ربط جلوه میکنند و مستند سازی ارتباط و بحث بر موضوعات و مطالب مربوط آن ، عریض و طویل آند! اما من باور دارم که در گذشته و امروز کشور و جامعه ما این دو موضوع با هم ربط عمیق داشتند و دارند و در آسیب شناسی عینی باید به آن پرداخت تا راه بیرون رفت سالم، کم مصرف و کامیاب را دریافت!

پرداختن همه جانبه به این دو موضوع و مستند ساختن منطق ربط آن از حوصله بحث در اینجا بالا است اما به نسبت اهمیت موضوع و پیشکش کردن بخش از مطالب به صورت، سبک و روش کاملاً جدید، مختصر و تلگرافی به آنرا ضرورت میبینم و لذا به آن میپردازم!

- ۱- سرزمینهای افغانستان کامل از کجا تا کجاست و سند این ملکیت را باید در کجاستجو کرد؟
- ۲- چرا مذاکرات صلح در رابطه به افغانستان در نیم قرن گذشته هر بار ناکام بوده و ما چرا از یک بحران و تراژیدی، به بحران و تراژیدی دیگر سقوط میکنیم و یا سقوط داده میشویم؟
- ۳-

الف: تجارب تلخ و شیرین گذشته و درسهای امروز ما؟!

ب: نسخه ها و راهکار های اولویت امروز ما!

سبک کاری این نوشته رسانیدن کوتاه، مستقیم و تلگرافی جوابها به سوالات مشخص موجود فوق در جامعه و اذهان ضرورت جدی است! به اتکا به آن، در صورتیکه حالات معین مشابه وجود داشته باشد، وظیفه و تاکتیک کاری ما را مشخص میسازد!

به علت مجبور بودن به بحث تلگرافی در موارد میتواند جوابها مبهم و غیر واضح جلوه کنند و در موارد قابل فهم نباشند و یا ذکر مطالب التقاتی جلوه کنند که نسبت وسعت موضوع چنین هم است اما تلاش افاده های قابل فهم خواهم داشت!

من در اینجا در مورد تفاهمنامه، قرار داد، صلاحیت و جوانب تفاهمنامه و قرار داد، محتوای اصلی و در صورت مجهول بودن محتوای اصلی - دلیل فسخ و صلاحیتهای قرارداد و تفاهم کننده بین دولتی و تفاهم شخص با شخص دیگر و در مورد پروسیجر های توافقات دوجانبه و چند جانبه و جهانی و کنوانسیون ۱۹۷۹ و یانا در مورد فسخ بودن توافقات استعمار گر، با استعمار شونده در صورت عدم مساوات طرفین عقد و عدم راتیفیکیشن و در صورت عدم طی کردن پروسیجر های قرار داد ها، و عدم راجستر شدن در ساختار های جهانی، بعد از عقد از جانب شخص به نام حاکمیت و پروسه تصویب و نشر و حیثیت حقوقی چنین سندیکه چنین مسایل در آن مراعات نه شده و یا موضوع اصلی مجهول باشد (خط روی روشن و در زمین و در خود خط مجهول و یک جانب ادعا داشتن که این همان نقشه نیست که برایم نشان داده شده بود- دیورند لاین) و در نتیجه سند بطلان قرار داد از همان نقطه صفری (ووبید) و و فسخ بعدی (ووبیدبل) و مدت اعتبار توافقات بین کشور ها (به اساس مندرجات توافق - توافق کابل بین دولتی انکلیس و افغانستان ۱۹۲۴-۱۹۲۱م. - و مدت اعتبار ۹۹ سال به اساس کامن لا - سیستم حقوقی انگلیس)، که در مورد عقارات مانند هانگکانگ و ... در صورتیکه تمام شرایط را داشته باشد، برای ۹۹ سال اعتبار دارد!

بلی اصطلاح فضول و بیع و شرای فضولی که شخص بدون صلاحیت، در ملک غیر، تصرف ملکیتی میکند، بلی شاه خود را اعلان کردن ولی وی (عبدالرحمن خان پسر افضل خان) ولیعهد شاه متوفی نبود! پسر امیر متوفی -

امیر شیر علیخان در میوند قندهار جهاد علیه استعمار میکندو همین پسر یعنی ایوب خان بعد از اعلان پادشاهی عبدالرحمن خان مجبور به فرار به ایران شد و ایرانی وی را دستگیر و به انگلیس تسلیم کردند...)، بلی پرداختن به این همه ایجاب وسعت بحث تیزس دوکتورا را میطلبد!

اما باز هم خارج ازین چوکات در مورد سوالات مشخص جواب مشخص در وتس آب وتماس، نیز خواهم داد!

و اما حال:

- زمانیکه امیر شیرعلیخان (زاده ۱۸۲۵م. کابل - درگذشته ۱۸۷۹ مزارشریف) سومین پسر امیر دوستمحمد خان و دومین پادشاه) با تهدید استعمار گران انگلیسهای وقت، حاضر در هند برتانوی مواجه شد، و وی را تهدید کردند که چرا خلاف توقع و هدایت شان، با جانب روس ها علایق دارد، و در نتیجه بلاتأخیر به تحرکات تهدید نظامی به افغانستان از سمت مشرقی و هرات، به جانب افغانستان نیروی نظامی استقامت داده شدند! امیر شیرعلیخان به جانب ترکستان - افغانستان رفت تا از روسها کمک بگیرد. وی در ترکستان - افغانستان، بعد از مریضی؟! کوتاه وفات کرد و در همانجا - در مزارشریف امروز دفن شد!

پسرش یعقوب خان در کابل از زندان هشت ساله پدرش که گویا به اتهام مخالفت با انگلیسها زندان شاقه را میگذراند، در حالیکه توازن و استقرار فکری خود را در زندان پدر، از دست داده بود، از زندان رها شد و از بالااحصار کابل مستقیم به چونی انگلیس به گندمک - جلاآباد، در جاییکه عساکر استعمار حضور دارند، میرود و با آمادگی به هر خدمت برای شان، توقع کمک و خزانه برای پادشاهی خود مانند ولیعهد، شاه متوفی تقاضا میدارد!

انگلیس ها کم تأخیر و مکث میکنند، وی قرار یک روایت، پیشنهاد میکند، که اگر در چونی گندمک وظیفه باغبانی نیز برایش باشد، آماده کار در نقش باغبان گندمک است!

تفاهم گندمک از جانب انگلیس آماده میشود (۱۸۷۹م) و یعقوب خان امضا میکند! درین قسمت سرزمینهای زیادی مندرجه در توافق و معاهده گندمک (ماورای خط فرضی و متنازع فیهای دیورند - تا مارگله ، آتک و پل اباسین) به جانب انگلیس گذاشته میشوند!

یعقوب خان به نسبت خیانت به وطن توان و به اساس توافق گندمک و واگذاری سرزمینهای افغانی، فرصت باز گشت به جامعه افغانی را ندارد، لذا با عساکر انگلیس از راه قندهار عازم هند میشود! در قندهار قومندان نیرو های استعمار - انگلیس به مرکز خود تلگرام میدهند که: «با این خاین چه کنند؟» از مرکز جواب بدست می آورند: « با خود به هند بیاورند!» میبرند و یعقوب خان در غربت و مجهول الهویه در همانجا میمیرد!

ما میدانیم که سرزمینهای تاریخی، با ادب، کلچر، نژاد ، قوم، وابستگی های اتنیک، قومی و زبانی و بلاخره شهروندی سند سرزمین واحد و مشترک را ارایه و مستند سازی میگرد و یک حالت طبعی است!

فرهنگی کشور، شعر و ادب کشور نیز از یک طرف حوزه تمدنی مشترک ولی از جانب کشور و افتخارات مشترک یک واحد و کشور را مانند ممد مستندات ساخته میدهند!

معشوقه و دختر افغان به شوهرش که روانه کار و سفر به هند است، میسراید:

تر مارکلی به در سره بیم
په هندوستان دی خدای مل شه مسافره

افغانها از آمو، تا اباسین، پل آتک و مارگله از لحاظ قومی، زبانی، تاریخی و کارنامه های مشترک فرهنگی ، شعر، دوبیتی و آثار هنری و ... همه شاهد اند که این همه سرزمین های افغانستان اند! افغانستان موجود نیمه، در اثر ۵۰۰ قیام این مردم پشتون و بلوچ، به ضد استعمار، در پهلوی مبارزات بقیه مردم افغانستان استقلال خود را در سال ۱۹۱۹م. اعلام میدارد و حاصل میکند!

به این ترتیب معاهده و توافق یعقوب خان و انگلیس سند اقرار خط جانب ابر قدرت استعماری وقت است (انگلیس) که این مناطق و سرزمینهای افغانستان بوده ، آند و امروز میلیونها انسان برای اتحاد و اتفاق و ایجاد افغانستان کامل صدا بلند میکنند و حوادث اخیر این قسمت پاکستان و مبارزات بلوچها این را نیز ثابت میسازد!

بلی:

استعمار گران در مورد تعیین سرنوشت این مناطق از آمو، بدخشان، آتک ، اباسین ، مارگله و از آن مناطق ، به این طرف، همیشه به شاهان افغانستان مراجعه کرده اند، تا در مورد سرنوشت این مناطق در مورد بحث و یا معامله و یا تسلط را برآن از طریق توافق و یا تهدید با شاهان افغان توافق و یا خواسته های خود را تحمیل کنند!

مطابق تعامل کامن لا- سیستم حقوقی نافذ انگلیس، توافقات و قرار داد ها در مورد عقارات (ملکیت های غیر منقول) صرف یک قرن اعتبار دارند! طرز العمل های مشابه در مورد هانگکانگ و موارد دیگر عملی و اجرا شد. با وجود اینکه این دو حالت قسماً متفاوت اند! در مورد هانگکانگ توافق تحریری وجود داشت، اما در مورد « دیورند لاین» چیزی اعتباری وجود ندارد!

اگر من بر خانه شما لوحه بزنم که خانه شما مثلاً مسجد شد و یا خانه شما را بفروشم، چنین فروش و چنین سند از لحاظ حقوقی از صفر باطل است و چنین بیع و شرا را فضولی و بی اعتبار میشناسند!

به این ترتیب سرزمینهای واگذار شده، و یا به زور و تهدید گرفته شده، تصاحب شده، به هر نام و شکل فورمال نافذ و یا غیر نافذ، درست و یا نادرست، مندرج در معاهدات، توافقات و تفاهمات به نام « گندمک، دیورند لاین، تفاهمات حسن نیت کابل که صرف از سال ۱۹۲۱ - ۱۹۲۴ » اعتبار داشت و در معاهده گندمک و « دیورند لاین » نام گرفته شده، به همین خاطریکه ملکیت افغانی بود و استعمار وقت در این توافقات با امضاء اقرار کرده، که این یکی از دهها سند ملکیت ماست، باید واپس کنند و یا تصرف شود!

اگر مردم آن مناطق با نوع اتحاد نزدیک فعلاً اولویت را ختم تسلط و توقف تجاوز و تعدی پاکستان را اساس قرار داده اند، هدف درست و مناسب است! پښتونستان و بلوچستان از لحاظ تاریخی متحد بزرگ افغانستان از زمان احمدشاه ابدالی بوده و دختر خود را سران بلوچ به احمدشاه ابدالی به نکاح داده اند! پښتونستان آزاد از تسلط پنجاب به مرور زمان به مثلاً پنج سال به تشکیل مستقیم ساختاری واحد نیز مطرح شده میتواند! در ایجاد یک پیمان کشابه مانند اتحادیه اروپا این همکاری وسعت یافته و ضرورت به سرحدان هم نه خواهد بود!

دقت در مورد ما را به تفاهم نیک و عالی رسانید و جهاله و سرتیمکی برای ما درد سر ایجاد کرده میتواند! درین مورد هرگونه تخلف مسلکی مشکلات بزرگ را عامل شده میتواند که باید احتیاط لازم کرد!

همچنان مسلم و مطرح است که حق داده نمی شود! حق گرفته میشود!

یک طرح چنین است که این مناطق باید واپس از جانب افغانستان، سر زمین افغانستان اعلان شده و این موجود ناخلف و غیر مشروع به نام پاکستان است که به محکمه و عدالت جهان مراجعه کند و ما حاضریم به هر محکمه بین المللی از آن دفاع کنیم، که این سرزمینها افغانستان اند! چه افغانستان باشد و یا پښتونستان، مشکل نه خواهد داد و نه دارد!

در صورتیکه جانب پاکستان دست به تشدد بزند، باید به تشدد جواب داد.

این واقعیت را به شمول پاکستان، جهان به خوبی میدانند، مستندات تاریخی و دهها سیاسیون و معاون اتحادیه اروپا تقریباً بیشتر از هشت سال قبل این را به صراحت تام اعلان کرد و صدها هزار پښتون و بلوچ برای تحقق این صدای حق را همین حالا بلند کرده و قربانی میدهند!

مسلم است که آن مناطق مال و متاع دکان بقالی نیستند که به کابل آورده شوند و با یا تا دیروز پنجاب ایشان را تحت ظلم و تصرف داشت و معدنیات و انسان شان را چور و چپاول میکرد و حال کابل چنین حالت را ادامه دهد! دولنداری مدرن و تعیین سرنوشت خود مردم توسط خود شان و اداره خود شان و دولنداری مدرن و اصل یک شهروند و یک رأی و سایر وسایل مدرن و متمدن، متداول جهان درین قسمت تعیین سرنوشت ملتها، مطرح اند! بلوچها در طول تاریخ روابط بس نیک و عالی با افغانها داشتند و رهبران امروز ایشان کما کان به آن روابط خوب، باور دارند!

ساختار سیاسی مناسب همان زمان مسایل سیاسی، امنیتی و اقتصادی را حل کرده میتواند، که صورت خوب و شایسته تنظیم شود!

بر ماست، حالا باید سوال تسلط پنجاب و پاکستان را ازین سرزمینهای افغانستان خاتمه دهند و « دیورند لاین راه خود را پیدا کند!

مسلم که بنر زنی ها و تصرف قسمتهای از افغانستان در شمال کشور، بحث مورد و وارد هست که برنامه های استعمار وقت را برآورده ساخت تا با روشن شدن این سرحدات، جانب روسها را از پیشروی به جانب هند بازداشتند و این با هدیه دادن قسمتهای از خاک افغانستان به ایشان، نیز برآورده شد!

ب

- اگر جناب زلمی خلیل زاد، کدام کار نیک دیگر برای زادگاه اصلی اش، یعنی افغانستان نه کرده باشد، حق اقل بلند کرده قضیه « دیورند لاین » و کار برای فسخ عملی آن کار تاریخی خواهد بود که در تاریخ افغانستان و کارنامه های ایشان نیز ثبت خطوط زرین خواهد شد! اما از نام شان و به نام خلیل زاد بخش از مطالب در مورد « دیورند لاین » نشر میشوند که موجب تشویش و نا خود آگاه ضرر وارد کرده میتواند و میکند!

واقعیت این است که توافق به نام « دیورند لاین » بین امیر عبدالرحمن مانند شخص و سرمائیمور دیورند، وزیر خارجه هند برتانوی هیچگاهی امضا نه شده، و این یک توافق شفاهی است! سند تنها و تنها متن انگلیسی و ضم یک نقشه است و زمانیکه در سال ۱۸۹۷-۱۸۹۳ م. کمیسیون مشترک به نشانی کردن در زمین، به الحاح جانب انگلیسی آغاز شد، قرار روایات موثق، امیر عبدالرحمن خان حد اقل در سه مورد گفته که این همان نقشه نیست که سر مارتیمور دیورند به وی نشان داده بود! منظور سرزمینهای حد فاصل و بفر ذون! جانب انگلیس قبول کرد که اصلاح میکند ولی، نه کردند!

میگویند جناب خلیل زاد در دوحه ۲۰۲۱ در حق مردم افغانستان خیانت کرد!

من باور دارم که ورود عساکر جهان و امریکا، خروج عجله وار ایشان، بدون رفتن به بیخ و بنیاد شر و فساد، یعنی پاکستان امروز، و فکر بازگشت و لو محدود به افغانستان، خطا بود، هست و خواهد بود! حمله و تصرف و حضور

فزيكي، هيچ نړۍ نظامي خارجي به كښور ديگر به كښور تصرف شده، خوشبختي نياورده و خصوصاً امريكايان در افغانستان نيز به همين قسم!
بايدن رئيس جمهور امريكا بعد از مصارف و شكست هاي متعدد در افغانستان، تصميم خروج از افغانستان گرفت!
كميته ۱۵ نفر ي سنا و مسؤلين
دست اول امريكايي براي اين موضوع در دوحه ۱۳۲۱م. ودر مرد تصاميم اتخاذ ميكرند كه مجري و رابط، جناب خليل زاد بود!

و اما مذاكرات صلح در نيم قرن اخير و تا حال چرا نتيجه نداد؟
عوامل زياد اند، اما اكثريت مطلق اجنداي اين نشست ها و تفاهمات ، تلاش براي به جان زدهنا و پيمودن راههاي کوتاه رسيدن به زور و زر بوده، و لذا نتيجه ن داده!
در مورد باسد به صورت كمپلكس و مانند يك پكيچ و بسته صلح و تفاهم خير، به هم پيوسته عمل شود!
از تجارب بد با آسيب شناسي عيني بايد آموخت و لغزش ها را تكرر نه كرد! زعيم و رهبر را ملت در انتخاب برنامه، نه شخص و فرد، بايد مطرح كرد! بگذار مردم برنامه را انتخاب كند و برنامه مجريان انتخاب مشروع را عكلي كنند! درين راه قوم، زبان، تحميل روايت خود، مطلق العناني گنجايش ندارد و بايد اساس برنامه سالاري شود و بعد از اخذ مشروعيت نسخه علمبرداران نسخه، فرصت تطبيق پيدا كنند و اگر در ظرف زمان معين متوانستند، ديگران چنين فرص داشته باشند!

افغانستان حل قومي و زباني ندارد!
ما حاكميت همه شمول و همه قبول را بي معنا ميدانيم!
ما حاكميت مشروع متداول و زعامت برنامه محور ميخواهيم! علمبرداران برنامه محوري مي آيند و ميروند ولي برنامه و نسخه باقيست و اين در وجود احزاب سياسي برنامه محور مدرن (نه مبتذل زمان جمهوريت كه سفارتي، پروژه اي، فوند خارجي، استخباراتي، قومي، زباني و خانوادگي بودند!)، در چوكات ارزشهاي ملت مجاهد ما، شده ميتواند!
مدافعان منافع ماي افغانستان، محور ملي و تعداد زيادي از ساختار هاي سياسي و شخصيت هاي انفرادي درين راه رفتن ميخواهند و كار بزرگ اجرا كرده اند! اين راه را (ان شاء الله تعالى) ادامه خواهيم داد!
بخش از تفصيل راههاي بيرون رفت در لينك ذيل؛

https://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/Sayedi_s_rahai_beron_raft.pdf

و من الله التوفيق
داكتر صلاح الدين سعیدی
۲۰۲۶/۱۰/۱۴
۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸